

شاخص‌های خانواده کارآمد

حجت‌الاسلام و المسلمین محمد مهدی صفورایی پاریزی^۱

مقدمه

خداوند آفرینش انسان را با پیوند زن و مرد آغاز کرد و آدم و حوا را در کانون خانواده سکنی داد و با این تدبیر، همه فرزندان آدم را به سوی زوجیت دعوت نمود و کمال انسانی را در همراهی و همدلی زوجین در کانون خانواده ترسیم فرمود. تدبیر حکیمانه الهی در قالب کشش و تجاذب میان زن و مرد تجلی یافته و همه انسان‌ها را در طول تاریخ، در کانون خانواده گرد هم آورده است و بدین‌سان نسل بشر به زندگی خود ادامه می‌دهد.

پیوند میان زن و مرد از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند آن را میثاق غلیظ نامیده و فرموده است: «وَ أَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛ زنانان از شما پیمانی محکم و استوار گرفتند» (نساء: ۲۱). رسول گرامی اسلام درباره مقام والای پیوند مقدس زوجیت فرمود: «ما بنی فی الاسلام بناءً أحبُّ الی الله عزوجل من التزویج؛ هیچ بنایی در اسلام محبوب‌تر از تشکیل خانواده (ازدواج) در نزد خداوند بزرگ نیست» (مجلسی، ۱۹۸۳، م. ۱۰۰/۲۲۲). هم‌چنین آبادانی خانه‌ها را مستلزم ازدواج می‌داند: «تزوجوا و زوجوا... و ما من شیء احب الی الله عزوجل من بیت یعمر فی الاسلام بالنکاح» (حر عاملی، ۱۹۹۱، م. ۵/۴). و زن و مردی را که از این نعمت بزرگ محرومند و تنها و بی‌یار و مونس زندگی می‌کنند، این چنین توصیف کردند:

مسکین، مسکین، مسکین رجل لیس له امرأة و ان کان کثیر المال و مسکینة، مسکینة، مسکینة امرأة لیس لها زوج و ان کانت کثیرة المال. (الهیثمی، ۱۴۰۸ ه. ق، ۴/۲۵۲)

مردی که زن نداشته باشد و زنی که شوهر نداشته باشد مسکین و بیچاره است، گرچه ثروتمند باشد. در حقیقت فرد در خانواده متولد می‌گردد، در سازمان خانواده زندگی می‌کند، در مواقع نیاز به خانواده روی می‌آورد و در پرتو زندگی خانوادگی به سکون و آرامش می‌رسد:

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودةً و رحمة ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون. (روم: ۲۱)

و از نشانه‌های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانشان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعنا نشانه‌هایی است.

جامعه آرمانی اسلام جامعه‌ای است که ازدواج هدفمند در آن رواج داشته باشد و گرایش به تشکیل خانواده به عنوان ارزش و موضوعی با اهمیت مورد توجه قرار گیرد. روشن است که بنای خانواده در صورتی مایه آرامش اعضای آن خواهد شد که حفاظت از کارآمدی آن همچون اصل تشکیل آن مورد توجه سازندگان و صاحبان سیستم خانواده قرار گیرد. در غیر این صورت خانواده به کانونی تنش‌زا و آزاردهنده تبدیل خواهد شد و اعضای آن هر لحظه آرزوی خراب‌شدن و یا خراب‌کردن آن را دارند.

^۱ دکتری روانشناسی تربیتی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفیٰ ص العالمیه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۱

در عصر حاضر روابط مناسب با همسر و تربیت فرزندان به سادگی چند دهه پیشین نیست. عوامل مؤثر بر کارآمدی و ناکارآمدی خانواده به قدری زیاد و پیچیده است که برای مقابله با عوامل آسیب‌زا و حفاظت از کارآمدی خانواده، معرفی شاخص‌های کارآمدی خانواده را بر اساس تعالیم اسلامی ضروری ساخته است. در ادامه ویژگی‌های خانواده کارآمد بر اساس شاخص‌های بینشی، اخلاقی و حقوقی با روش توصیفی تحلیلی به صورت جزئی و تفصیلی از آیات و روایات مربوط به خانواده استخراج و ارائه شده است.

واژه‌شناسی

شاخص^۲

شاخص به معنای ویژگی‌هایی کلی است که ویژگی‌های خردتری را در درون خود جای می‌دهد و برجستگی و اهمیت بیشتری دارد. شاخص نامیدن ویژگی‌های کلی‌تر و تفسیر، تبیین و طبقه‌بندی این ویژگی‌ها با این عنوان، سبب درک آسان‌تر ویژگی‌های خردتر و زیرمقوله‌ها می‌شود. (گولد^۳ و کولب^۴، ۱۹۹۷)

خانواده کارآمد^۵

خانواده کارآمد، خانواده‌ای است که با پابندی اعضای آن به باورهای دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم می‌کند.

منابع معتبر اسلامی

آموزه‌های اسلام از دو منبع قرآن کریم و سنت به دست می‌آید. اولی مورد اجماع و اتفاق مسلمانان و دومی نزد شیعیان، شامل همه چهارده معصوم و نزد اهل سنت، منحصر به گفتار و رفتار پیامبر است.

شاخص‌های کارآمدی خانواده

در طبقه‌بندی کلی، مجموعه آموزه‌ها و معارف اسلام (گزاره‌های معتبر اسلامی) به سه بخش تقسیم می‌شود؛ بخش اول بینش‌ها و نگرش‌های کلی نسبت به جهان، انسان و هستی را تشکیل می‌دهد، بخش دوم شامل ویژگی‌ها، صفت‌ها و خصلت‌هایی است که هر مسلمان در راه دستیابی به کمال، باید خویشتن را به آنها بیاراید و از اضرار آنها دوری گزیند.

۱. Index

۲. Julius Gould

۳. William Kolb

۴. Efficient family

راستگویی، صبر، گمان نیک، مدارا با دیگران، احترام دوسویه، خیرخواهی، محبت و... از گزاره‌های اخلاقی اسلام است. سومین دسته از آموزه‌های اسلامی، احکام است. احکام، دستورالعمل‌هایی است که به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان، اعم از فعالیت‌های مادی، معنوی، دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی مربوط است. (مطهری، ۱۳۸۲) آموزه‌های بخش سوم، ضامن رعایت حقوق انسان‌ها است.

در ادامه، مهم‌ترین شاخص‌های بینشی، اخلاقی و حقوقی خانواده کارآمد از منابع معتبر دینی استخراج و معرفی خواهد شد.

۱. شاخص بینشی

زیربنای جهت‌گیری‌های انسان در زندگی، باورهای او است. بنابراین، عقیده بالاترین نقش را در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. از این رو است که اسلام بیش از هر چیز به اصلاح شناخت و بینش‌های انسان اهمیت می‌دهد و برترین افراد را از نظر ایمان، کسانی می‌داند که شناخت آنان بر دیگران برتری دارد: «افضلکم ایماناً افضلکم معرفه» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹).

در بحث از شاخص بینشی، به مهم‌ترین باورهای دینی اشاره می‌شود که بر روابط و رفتارهای اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و آن را به خانواده‌ای کارآمد تبدیل می‌کند. نبود چنین باورهایی نیز سبب ناکارآمدی خانواده و شکل‌گیری روابط نامناسب خواهد شد.

الف. ایمان به خدا

اساسی‌ترین باور دینی، ایمان به خدا و یکتاپرستی است. ایمان، پذیرش ویژه نفس نسبت به چیزی است که آن را قبول کرده؛ پذیرشی که سبب تسلیم نفس در برابر ادراک و آثاری شود که اقتضا دارد. نشانه تسلیم و قبول، آن است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را پذیرفته، مانند خود نفس در برابرش تسلیم می‌شوند. اگر این تسلیم نسبت به خدا باشد، آن را «ایمان به خدا» می‌گویند. ایمان به خدا که همان باور قلبی و انجام اعمال صالح است، صفات دیگری را نیز در روح مؤمن به وجود می‌آورد و همین صفات، تعیین‌کننده رفتارهای انسان در زندگی فردی، اجتماعی، مادی و معنوی‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴)

ایمان به خداوند، در رفتار انسان و اعضای خانواده آثاری دارد و هر یک از آنان به شیوه‌ای خاص بر کارآمدی خانواده تأثیر می‌گذارند. فردی که خدا را همواره ناظر بر اعمال خویش می‌داند و بر اساس کلام وحی در سوره قاف آیه شانزده، او را از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند، تلاش می‌کند با انجام وظایف و رعایت حقوق دیگر اعضای خانواده، رضایت او را جلب نماید و رفتار او را در زندگی خانوادگی برای رسیدن به رشد و کمال تنظیم نماید.

انسانی می‌تواند به کمال و سعادت برسد که از آرامش برخوردار باشد. آرامش نیز در خانواده‌ای آرام به وجود خواهد آمد و این‌گونه، کارآمدی آن خانواده آرام نیز تأمین خواهد شد. در آموزه‌های مذهبی، اصلی‌ترین عامل برای رسیدن به آرامش و حفظ آن، ایمان به خداوند بیان شده است. در روایتی کوتاه و پرمعنی از امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام آمده است:

«آمن تأمن؛ ایمان بیاور تا درامان باشی». (آمدی، ۱۳۶۶ه.ش، ۸۸). همچنین آن حضرت، ایمان به خدا را مساوی با آرامش و امنیت می‌دانند. در ادامه به چند نمونه از آثار ایمان و چگونگی آرام‌بخشی آنها اشاره می‌شود.

یک. خوش بینی

یکی از آثار ایمان مذهبی، خوش بینی به آفرینش و هستی است. ایمان، به برداشت مؤمن از جهان سمت و سو می‌دهد تا او آفرینش را هدف‌دار و زندگی را معنی‌دار می‌بیند. از دیدگاه چنین فردی هدف از زندگی خانوادگی رسیدن به تکامل و سعادت است. این دیدگاه، انسان را نسبت به نظام کلی هستی و قوانین حاکم بر آن خوش‌بین می‌کند.

فرد با ایمان در جهان هستی خود را مانند فردی می‌داند که در کشوری با قوانین و دستوره‌های حکومتی صحیح و عادلانه زندگی می‌کند؛ به حسن نیت گردانندگان اصلی کشور ایمان دارد، به طور طبیعی زمینه رشد و تعالی خویش و دیگر اعضای خانواده‌اش را فراهم می‌بیند و معتقد است فقط سستی و کم‌کاری خود او است که ممکن است موجب عقب‌ماندگی او شود. این اندیشه او را با خوش‌بینی و امیدواری به حرکت و جنبش وامی‌دارد و برای غلبه بر مشکلات احتمالی از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند.

در سوی دیگر، در دل اعضای خانواده بی‌ایمان پر از کینه و ناآرامی است؛ سرپرست خانواده به فکر اصلاح خویش و اعضای خانواده‌اش نیست، اعضای این جامعه کوچک از زندگی لذت نمی‌برند و با دیدن کوچک‌ترین مشکلی فریاد اعتراض بلند می‌کنند. خداوند در سوره طه، آیه ۱۲۴ می‌فرماید: «و من اعرض عن ذکرې فان له معیشتة ضنکاً؛ هر کس از توجه و یاد من روبرگرداند، زندگی سخت و پر از فشاری خواهد داشت». بر اساس این آیه شریفه، زندگی خانوادگی برای اعضای مؤمن آن، لذت‌بخش خواهد بود و شرایط سخت برای آنان قابل تحمل خواهد بود. فرزندان این خانواده نیز آموزش کافی را برای رویارویی با عوامل پدیدآورنده ناکارآمدی می‌آموزند. (صفورایی، ۱۳۸۲)

دو. امیدواری

فرد با ایمان خوش‌بین، به نتیجه مطلوب تلاش‌های خود امیدوار است. در منطق چنین فردی خداوند نسبت به تلاش‌های او بی‌تفاوت نیست، بلکه دستگاه آفرینش و خالق آن پشتیبان افرادی است که در راه حق و حقیقت و درستی و عدالت و خیرخواهی تلاش می‌کنند و معتقدند اگر «ان تنصر والله ینصرکم؛ خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری خواهد کرد» (محمد: ۷) و چنانچه در سوره توبه آیه ۹۰ بیان شده است: «ان الله لایضیع اجر المحسنین؛ اجر و پاداش نیکوکاران هرگز هدر نمی‌رود». فرد با ایمان به کمک خداوند امیدوار است و در بحران‌های زندگی و برای دستیابی به اهدافش، دست یاری به سوی خداوند دراز می‌کند و این امید، او را به اهدافش خواهد رساند و به خانواده‌ای کارآمد دست خواهد یافت. کمبودهای زندگی که برای بعضی دردناک و سبب ناکارآمدی است، در پرتو امید به یاری خداوند برطرف خواهد شد. (صفورایی، ۱۳۸۲)

سه. لذت معنوی

انسان دو گونه لذت دارد؛ گونه‌ای از لذت‌ها با یکی از حواس انسان درک می‌شود و در اثر برقراری ارتباط میان عضوی از بدن با جهان خارج حاصل می‌شود، مانند لذتی که چشم از دیدن، گوش از شنیدن، دهان از چشیدن و لامسه از تماس می‌برد. این لذت‌ها را «لذت مادی» می‌نامند. گونه دیگر لذت‌ها، در روح و جان آدمی درک می‌شود و مربوط به اعضای

بدن و تأثیر برقراری رابطه آنها با شیئی بیرونی نیست. لذتی که انسان از احسان و خدمت به اعضای خانواده خود می‌برد، لذتی که از محبوبیت و احترام همسر و فرزندان دریافت می‌کند و یا لذتی که از موفقیت خود یا فرزند خود می‌برد، از این گونه است. این دسته، «لذت معنوی» نام دارد. یکی دیگر از آثار ایمان، برخورداری بیشتر از لذت‌های معنوی است. لذت معنوی موجب شادابی اعضای خانواده و کارآمدی آن می‌گردد.

این لذت زمانی دوچندان می‌شود که کارهایی همانند احسان و خدمت به اعضای خانواده از حس دینی ناشی گردد و برای کسب رضایت خدا انجام شود و در قلمرو «عبادت» قرار گیرد. بالاترین و بهترین تأثیر لذت معنوی، کاهش و رفع اضطراب ناشی از عوامل درونی و بیرونی است. آرامشی که از لذت معنوی برای خانواده و اعضای آن حاصل می‌شود، کارآمدی خانواده را افزایش می‌دهد و آنان را به تلاش بیشتر در مسیر کمال و بالندگی سوق می‌دهد.

چهار. توکل

توکل بر خدا، یکی دیگر از باورهای دینی است. توکل، یعنی فرد در همه امور زندگی اعتماد و تکیه‌اش بر قدرت خداوند باشد. انسان باایمان، اداره جهان و تمام دگرگونی‌های آن را در تصرف خداوند و در احاطه اراده او می‌داند. توکل بر خدا باعث تقویت اراده و کاهش پیامدهای عوامل مزاحم شده، فرد را در برداشتن موانع زندگی آرام و رسیدن به تعادل و سازگاری تواناتر می‌کند تا زمینه تحقق خانواده‌ای کارآمد فراهم می‌شود.

اعضای خانواده در فرایند زندگی با مشکلات و کاستی‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند. ورشکستگی اقتصادی، دزدیده شدن اموال، از دست دادن شغل، بیماری‌های جسمی و روانی، از دست دادن عزیزان و... برخی از مواردی است که برای خانواده مشکل‌ساز و گاهی عامل ناسازگاری در خانواده می‌شوند. گاهی نیز خانواده را به بن‌بست می‌برند. انسان‌ها برای رویارویی با چنین حوادثی، به دو دسته عوامل نیازمندند؛ اسباب و علل مادی خارجی، شرایط روانی و درونی. توکل برخداوند هر دو دسته شرایط را فراهم می‌کند. گاهی ضعف اراده، ترس، دلهره و نداشتن اشراف بر موقعیت‌ها موجب می‌شود فرد نتواند از روش‌های مناسب و مطلوب برای حل مشکل استفاده کند. در چنین شرایطی که اسباب و نشانه‌های مادی، مشکل را حل‌نشدنی نشان می‌دهد، توکل بر خداوند متعال موجب تقویت اراده و قوت قلب اعضای خانواده می‌شود و روزنه امید در برابر افراد می‌گشاید. با توکل گاهی مشکلات از راه‌هایی حل می‌شود که هرگز به ذهن افراد خطور نمی‌کرده است: «... و من یتق الله یجعل له مخرجاً* و یرزقه من حیث لایحتسب...؛... و هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد* از جایی که حسابش را نمی‌برد» (طلاق: ۳ و ۲).

پنج. پذیرش مقدرات الهی

اعضای خانواده‌ای که در برابر قضای الهی تسلیم و راضی باشند، رویارویی آنان با مشکلات سهل‌تر خواهد شد. حالت رضایت موجب می‌شود اعضای خانواده بروز حوادث و مشکلات را مثبت و تکامل‌بخش بدانند و زمینه سازگاری و پذیرش آنها آسان‌تر فراهم شود. پذیرش و تسلط بر نابسامانی و ناسازگاری‌ها تضمین‌کننده کارآمدی خانواده است.

ب. اعتقاد به رسالت و امامت

دومین رکن دین‌داری، باور به رسالت انسان‌هایی از سوی خداوند است که در تاریخ اسلام و دیگر ادیان الهی «انبیای الهی» شناخته شده‌اند. در فرهنگ شیعی، وصایت و جانشینی نبی مکرم اسلام و خاتم پیامبران، حضرت محمد مصطفی ﷺ و در راستای تکمیل رسالت با عنوان «امامت» شناخته می‌شود و این جانشینی بر عهده چهارده امام پاک و معصوم گذاشته شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴)

نقش اعتقاد و باور به اصل نبوت و امامت در زندگی انسان به آموزش امور دینی برمی‌گردد. شناخت تعالیم دین پس از کلام خداوند (قرآن کریم) در رجوع به سخنان پیامبر گرامی اسلام و جانشینان آن حضرت منحصر است، به گونه‌ای که استفاده صحیح از کلام وحی نیز مبتنی بر تفسیر اولیای دین و مستلزم درک سخنان آنان است. در این بحث فقط به نقش باور به رسالت و امامت در الگوگیری و الگوپذیری از آنان در کارآمدی خانواده می‌پردازیم. الگوپذیری امری ضروری، بایسته و سودمند است و آدمی به اقتضای طبیعت انسانی خود به دنبال الگویابی است.

منظور از الگو، نمونه عینی و مشهود یک اندیشه و عمل در جنبه‌های گوناگون است که دیگران برای رسیدن به کمال از آن پیروی می‌کنند. واژه‌های امام، اسوه، قدوه، هادی، دلیل، حجت، مدل، نمونه، مثال و سرمشق که در متون اسلامی یا رشته‌های تعلیم و تربیت و روان‌شناسی به کار می‌روند، به معنای الگو شباهت نزدیک دارند. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵)

الگوی شایسته و بهنجار و سالم، افکار انسان را منظم می‌سازد و چگونگی به‌کارگیری توان بالقوه و استعدادهاى نهفته فرد را به او می‌آموزد. بر عکس، پیروی از الگوهای ناسالم، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به همراه می‌آورد و خانواده را از هم می‌پاشد. بنابراین، نمی‌توان و نباید از الگوهای پیروی کرد که درهای سلامت دنیوی و سعادت اخروی را بر روی اعضای خانواده ببندد و سبب ناکارآمدی خانواده شود.

انسان برای سنجش کارآمدی خانواده خود، به دو دلیل نیازمند الگوی کارآمد است؛ یکی اینکه می‌خواهد با الگوگیری برای تشکیل خانواده‌ای کارآمد تلاش کند و از سوی دیگر، با مقایسه خانواده خود با خانواده‌های کارآمد می‌خواهد بداند آیا در مسیر دستیابی به کارآمدی حرکت می‌کند، یا خیر؟

بنابراین، باید الگوی خانواده‌ای کامل و کارآمد وجود داشته باشد تا بتوان بر اساس آنها درباره رفتار خود داوری کرد. چنین الگوها و اسوه‌های انسانی همچون پیامبران، امامان و اولیای الهی همواره در تاریخ وجود داشته‌اند و اگر انسان خود را با آنها که به معیارهای انسانی آراسته‌اند، مقایسه کند، به چگونگی کار خود پی خواهد برد و مسیر شکل‌دهی خانواده‌ای کارآمد را خواهد پیمود.

برای تشکیل خانواده‌ای کارآمد و چگونگی تنظیم روابط و نوع رفتارها، همانندسازی با انسان‌هایی که آموزه‌های دینی به طور کامل در آنها تجلی یافته، اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. در این باره قرآن کریم در سوره احزاب آیه ۲۱ برای کارایی بهتر رفتارهای فردی و خانوادگی و دستیابی به کمال معنوی و رشد و بالندگی، از افراد دعوت می‌کند که پیامبر را در زندگی خود الگو قرار دهند:

لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجوا الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا.

قطعا برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و

خدا را فراوان یاد می‌کند.

و از این الگوی کارآمد و نیکو در هیچ‌یک از مراحل زندگی غفلت نکنند؛ زیرا بر اساس آیات قرآن در سوره قلم، آیه ۴ که می‌فرماید: «و انک لعلی خلق عظیم» پیامبر ﷺ و خانواده ایشان دارای ویژگی‌های بسیار مناسب و به دور از ناهنجاری رفتاری، شخصیتی و اخلاقی‌اند (ر.ک: احزاب: ۳۳) و پیروان آنان هرگز به گمراهی کشیده نخواهند شد (ر.ک: نجم ۲ و ۳). تاریخ نیز شواهد بسیاری از سلامت اخلاقی و مراتب کمال این خانواده نقل کرده است و شیعه و اهل سنت، هر دو به آن تصریح کرده‌اند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹)

ج. اعتقاد به معاد

اعتقاد به زندگی پس از مرگ در دو بعد فردی و اجتماعی قابل بررسی است. آثار فردی، در زندگی خصوصی و شخصی هر فردی متجلی می‌شود، ولی آثار اجتماعی آناری است که لازمه ظهور آن، گرد آمدن افراد در کنار یکدیگر می‌باشد و تا افراد نباشند، آن آثار بروز نخواهند کرد. کانون خانواده، اجتماع کوچکی است که از گرد هم آمدن اعضای خانواده تشکیل شده است. هر چند اعتقاد به معاد بر همه ابعاد زندگی انسان‌ها تأثیرگذار است، در این بحث بیشتر بر جنبه‌های خانوادگی تأکید می‌شود. باور به معاد در جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی تأثیرگذار است.

یک. معنایافتن زندگی

دو کشتی را تصور کنید که با تعدادی سرنشین در اقیانوسی در حرکت‌اند. سرنشینان یکی از این دو کشتی امیدوارند دیر یا زود در ساحل پهلو بگیرند، ولی مسافران کشتی دیگر، به دلایلی از حیات خویش و پهلو گرفتن کشتی ناامید شده‌اند و بر این باورند که دیر یا زود، امواج آنها را خواهد بلعید و به کام مرگ فرو خواهد برد. آیا باور، کردار و واکنش این دو دسته یکسان خواهد بود؟

بدیهی است که دیدگاهشان یکی نیست؛ بلکه با یکدیگر قابل مقایسه نیز نمی‌باشند. نگاه دسته اول به مجموعه اقیانوس و کشتی و قوانین حاکم بر آن و روابط مسافران و آنچه پیرامون آنها است، با دیدگاه دسته دوم بسیار متفاوت است. گروه اول به این مجموعه با دیدی قابل ستایش می‌نگرند؛ زیرا آنها را ارزشمند می‌دانند و از اینکه به کشتی سوار شده‌اند، خوشحال‌اند یا دست کم، پشیمان نیستند، ولی سرنشینان کشتی دوم آرزو می‌کنند ای کاش سوار نمی‌شدند و اکنون که گرفتار شده‌اند، منتظرند هر چه زودتر کشتی به قعر اقیانوس برود و این اضطراب و وحشت پایان پذیرد. این افراد، مجموعه اقیانوس، کشتی، مسافران و همه اشیای پیرامونشان را بی‌معنا و بی‌ارزش می‌دانند.

اعضای خانواده در فرایند زندگی بسان مسافران آن کشتی‌اند که در اقیانوس دنیای مادی در حرکت‌اند. آنان که حیات را محدود به همین چند روز دنیا می‌دانند و بر این گمان‌اند که با سپری شدن آن، چیزی جز فنا و نیستی در انتظارشان نیست، مانند سرنشینان کشتی دوم، راه به جایی نمی‌برند و مرگ در انتظارشان است. آنان از اینکه پا به عرصه هستی خانواده گذاشته‌اند، گله دارند که ای کاش به دنیا نمی‌آمدند و ازدواج نمی‌کردند. چنین افرادی در خانواده به علت بی‌توجهی به اهداف متعالی خانواده، کارکردهای محدود زندگی خانوادگی را بسنده می‌دانند. با این دید، خانواده در اثر بی‌هدفی به جدایی و انحلال کشیده می‌شود. اعتقاد به زندگی پس از مرگ، خانواده را متوجه اهداف پایداری می‌کند که موجب پیوند بیشتر اعضا می‌شود.

دو. احساس مسئولیت

احساس مسئولیت، یکی از عوامل مهم مهار رفتار فردی و اجتماعی انسان به شمار می‌آید. یکی از آثار پربرکت اعتقاد به معاد، بیدار شدن این احساس در ژرفای وجود انسان‌ها است؛ به گونه‌ای که بر همه رفتار جسمی، روحی، درونی و بیرونی انسان تأثیر می‌گذارد و برای هر کاری، فرد را موظف به پاسخ‌گویی می‌سازد.

قرآن کریم برای تأکید بر مسئولیت انسان در برابر رفتار خویش، با لحنی آمیخته به انکار و عتاب در سوره قیامت آیه ۳۶ می‌فرماید: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى؛ آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟» و در نفی این پندار، حیات مجدد انسان، جریان مسئولیت‌خواهی و بازخواست او را در روز قیامت به وی گوشزد می‌نماید و می‌فرماید: «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید، از آنچه انجام می‌دادند» (حجر: ۹۲-۹۳).

اگر اعضای خانواده به جهان پس از مرگ معتقد باشند و در مورد یکدیگر احساس مسئولیت کنند، به انجام وظایف و مسئولیت‌های خود پایبندند و از انجام رفتارهای ناسالم پرهیز می‌کنند. در سخنان اولیای دین، در ازای انجام وظایف خانوادگی وعده پاداش داده شده است. توجه به این پاداش‌ها و نعمت‌هایی که فرد در جهان آخرت به آنها دست می‌یابد و سبب آسایش وی در زندگی اخروی می‌شود، ایجاد انگیزه می‌کند و فرد را تشویق به فعالیت و کسب نعمت و پاداش می‌نماید. اعضای خانواده این آیه را در قرآن کریم می‌خوانند:

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُخْبَرُونَ * يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ * وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. (زخرف: ۷۰-۷۲)

شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت می‌شوید؛ سینی‌هایی از طلا و جام‌هایی در برابر آنها می‌گردانند و در آنجا آنچه دل‌ها بخواهد و چشم‌ها از آن لذت ببرد، موجود است و شما در آن جاودان‌اید و این همان بهشتی است که به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید، وارث آن شده‌اید.

و برای عمل و رفتار مناسب و متعادل، شوق و انگیزه‌ای دوچندان پیدا می‌کنند و این رفتارهای بهنجار، کارآمدی خانواده را تضمین خواهد کرد.

سه. مهارکننده و بازدارنده

اعتقاد به جهان آخرت نقش مهارکننده و بازدارنده نیز دارد. بسیاری از ناسازگاری‌هایی که در خانواده پدید می‌آید به مهار نکردن رفتارهایی بازمی‌گردد که اعضا را به دست‌اندازی به حقوق یکدیگر، تحمیل به دیگران و پرخاشگری می‌کشاند. باورداشت حسابرسی اعمال در روز قیامت و پاداش و مجازات افراد بر اساس رفتارهایشان و توجه به عواقب نامطلوب تجاوز به حقوق دیگران و فرار از انجام مسئولیت‌ها، افراد را از بسیاری رفتارهای نامناسب بازمی‌دارد. قرآن کریم یکی از پیامدهای بدخلقی در خانواده را فشار روحی در عالم برزخ می‌داند، به گونه‌ای که اگر فرد در ابعاد دیگر نیز به وظایف خود عمل کرده باشد، ولی در خانواده رفتار نامناسب داشته باشد، در عالم برزخ که فاصله بین انتقال از دنیا و روز قیامت است، دچار فشار و سختی شدید می‌شود. (سالاری فر، ۱۳۸۵)

در روایات نیز به عواقب نامطلوب بدرفتاری در خانواده اشاره شده است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

أيتها امرأة آذت زوجها بلسانها لم يقبل الله منها صرفاً ولا عدلاً ولا حسنة من عملها حتى ترضيه... و كانت أوّل من يرد النار و كذلك الرجل اذا كان لها ظالماً. (مجلسي، ۱۹۸۳م، ۱۰۰/۲۴۴)

هر زنی که همسر خود را با زبان بیازارد، خداوند هیچ کار نیک او را نمی‌پذیرد تا موقعی که شوهر خویش را از خود راضی گرداند و او اولین کسی خواهد بود که به جهنم می‌رود. این مطلب در مورد مردی که همسر خود را آزار دهد نیز صادق است.

۲. شاخص اخلاقی

پس از مسایل اعتقادی و بینشی، دومین بخش آموزه‌های اسلامی، آموزه‌های اخلاقی و ارزش‌های انسانی است. خانواده نخستین محیط آموزش و پرورش کودک است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می‌شود. کودک بسیاری از صفات و رفتارهای اخلاقی را از پدر، مادر، خواهر، برادر و کسانی که با آنها در خانواده زندگی می‌کند، می‌آموزد. صداقت، امانت‌داری، احترام متقابل، سپاسگزاری، مهربانی، محبت، سخاوت، شجاعت، عفت‌ورزی و بسیاری از این رفتارها توسط اعضای خانواده به یکدیگر منتقل می‌شود. خانواده نخستین درس‌های فضیلت را به فرزندان خود می‌آموزد و بزرگ‌ترها به سبب هم‌نشینی طولانی و پیوسته، بر شکل‌گیری صفات اخلاقی تأثیر می‌گذارند. پس باید محیط خانواده به فضایل اخلاقی آراسته شود تا بتواند کارآمدی خود را اثبات کرده و زمینه رشد و بالندگی اعضا را فراهم سازد.

الف. محبت در خانواده

انسان‌ها نیازمند دوستی و محبت‌اند و دوست دارند که محبوب دیگران باشند. این احساس غریزی در زن و مردی که با هم تشکیل خانواده داده‌اند و از «من» بیرون آمده، به ما رسیده‌اند، بیشتر احساس می‌شود. پیش از ازدواج، هریک از زن و مرد، محبت‌های فراوان پدر و مادر خود را دیده‌اند و آنگاه که پیمان ازدواج می‌بندند، انتظار آنان نسبت به دریافت محبت تغییر می‌کند و منتظرند که از رشته دوستی جدید نیز محبت و دوستی ببینند. آنان چشم دارند که طرف مقابل او را از صمیم قلب دوست داشته باشد و علاقه‌مندی و محبتی دوسویه برقرار شود. محبت دوسویه، همسران را به زندگی دلگرم و کانون خانواده را استوار، مستحکم و کارآمد می‌سازد. پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «بهترین زنان شما، زن‌هایی هستند که دارای عشق و محبت باشند» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ۱۰۳/۲۳۵) و در مورد مردها می‌فرماید: «هرکس از دوستان ما باشد، به همسرش بیشتر اظهار محبت می‌کند و نیز هرچه ایمان انسان کامل‌تر باشد، محبت به همسرش را بیشتر می‌کند» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ۱۰۳/۲۲۳ و ۲۲۸).

در خانواده‌ای که مهر و محبت وجود داشته باشد و همسران با علاقه‌مندی به یکدیگر زندگی کنند، برای تربیت فرزندان خود توانمندی بیشتری دارند. فرزندان که در کانون پر از محبت و عاطفه پرورش می‌یابند، روحی آرام‌تر و رشدی بهتر دارند و در آینده با الگوگیری از والدین خود، همسری مهربان و کارآمد خواهند بود و خانواده‌ای کارآمد نیز تشکیل خواهند داد. این کارآمدی، نسل به نسل منتقل می‌شود و جامعه‌ای پر از شور و نشاط و کارآمدی شکل می‌گیرد.

ب. تکریم و کارآمدی خانواده

شخصیت و حرمت یکی از جنبه‌های اصیل و اساسی وجود هر فردی است که به آن علاقه دارد و دوست دارد که دیگران، به ویژه همسر و اعضای خانواده، آن را محترم شمارند. این علاقه تا آنجا است که اگر کسی به شخصیت او احترام نگذارد، رشته محبت را با او قطع می‌کند و میان آنان فاصله ایجاد می‌شود. حفظ حرمت و شخصیت اعضای خانواده در گروه احترامی است که در برخوردها نمایان می‌شود.

رعایت احترام متقابل، سبب استحکام روابط و نزدیکی افراد می‌شود. نیاز به احترام هم در زن و و هم در مرد وجود دارد و هر دو نیاز دارند که از دیگری احترام ببینند. نباید به دلیل ارتباط دوستانه، نزدیک و بسیار خصوصی که همسران با هم برقرار می‌کنند، از احترام به یکدیگر غفلت کنند. بلکه به همین دلیل و برای اینکه روابط آنان به ارتباطی عادی و سرد تبدیل نشود، موظف به رعایت احترام متقابل و حفظ جایگاه شخصیتی یکدیگرند. در منابع دینی، رعایت احترام زن از حقوقی است که بر عهده مرد گذاشته شده است: «و اما حق الزوجه فان تعلم ان الله عزوجل جعلها لک سکناً و انساً، فتعلم ان ذلك نعمة من الله عليك فتكرمها و ترفق بها» (مجلسی، ۱۹۸۳، ۴/۷۱) و از سوی دیگر، زنی هم که احترام همسر خود را رعایت نکند، مورد لعنت قرار گرفته است: «ملعونة ملعونة امرأة تؤذي زوجها و نغمه و سعيدة سعيدة امرأة تكرم زوجها و لا تؤذيه و تطيعه في جميع احواله» (مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۵۳/۱۰۰).

در خانواده‌ای که رفتار اعضای خانواده احترام‌آمیز و از روی ادب باشد، روابط نیز صمیمانه و نزدیک خواهد بود. روابط صمیمی از بروز ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها جلوگیری می‌کند. چنین خانواده‌ای با نشاط و علاقه به اداره زندگی خود می‌پردازد و بدین ترتیب زمینه شکوفایی استعدادها و بالندگی اعضا و کارآمدی آن فراهم می‌شود.

ج. سلام کردن و کارآمدی خانواده

در میان همه ملت‌ها و فرهنگ‌ها، مردم هنگام ملاقات و دیدار با یکدیگر برای ابراز احساسات و عواطف خود و خرسندی و رضایت از دیدار و نیز برای خوشامدگویی و آغاز گفت‌وگو، راه و روش ویژه‌ای برگزیده‌اند و با واژه‌ها و حرکاتی قراردادی این مقصود را می‌رسانند. در سنت اسلامی برای این منظور، سلام کردن به یکدیگر، مصافحه (دست دادن) و معانقه (یکدیگر را در آغوش کشیدن) در نظر گرفته شده است. سلام کردن از دستورات الهی قرآن کریم است. خداوند در سوره نور آیه ۶۱ می‌فرماید:

... فاذا دخلتم بيوتا فسلموا على انفسكم تحية من عندالله مباركة طيبة كذالك بين الله لكم الايات لعلكم تعقلون.

... هر گاه به خانه‌ها وارد شدید، به یکدیگر سلام کنید و این تحیت و درودی پاک و مبارک از جانب خداوند است.

زندگی در دنیای کنونی، با دلهره و اضطراب همراه است. بنابراین، در نخستین برخورد دو انسان، مطلوب‌ترین روش برقراری ارتباط، دادن امنیت و آرامش به طرف مقابل و مخاطب خویش است تا مطمئن شود که از طرف او ضرری متوجهش نیست. اهمیت سلام تا آنجا است که یکی از نام‌های مبارک خداوند «سلام» می‌باشد. بهشت نیز که خانه

آرامش و آسایش انسان است، «دارالسلام» نامیده شده است. بدیهی است که چنین ارتباط و آرامشی زمینه‌های کارآمدی خانواده و رشد اعضای خود را فراهم خواهد کرد.

د. دلسوزی و مهربانی

رفتار محبت‌آمیز، روح و روان انسان را از پلیدی، پاک و تطهیر و سلامت آن را تأمین می‌نماید. او در پرتو این طهارت و سلامت، همت خویش را برای رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی به کار می‌بندد و در مقابله با آسیب‌های روانی و اخلاقی چون دژ محکم و استوار می‌ایستد و اجازه ورود بیگانه را به زمینه‌هایش نمی‌دهد. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

من أكرم أخاه المؤمن بكلمة يلفه بها و فرج عنه كربته لم يزل في ظل الله الممدود عليه من الرحمة ما كان في ذلك.
(حر عاملی، ۱۹۹۱م، ۱۱ / ۵۹۱)

کسی که مؤمنان را با کلمات محبت‌آمیز خویش احترام نماید و اندوه آنها را بزدايد، تا زمانی که این حالت و احساس در او باقی است، پیوسته در سایه رحمت خدا خواهد بود.

مهربانی و دلسوزی نسبت به بزرگسالان و همسر که به مرحله رشد انتزاعی رسیده‌اند و رفتار دیگران را تجزیه و تحلیل می‌کند، آثار ارزشمندتری به دنبال خواهد داشت. آنگاه که همسران نسبت به یکدیگر مهربانی کنند، بر تلاش خود برای کارآمد ساختن خانواده خواهند افزود.

هـ صبر

در منابع دینی، صبر و پیروزی قرین هم شمرده شده‌اند. قرآن، این فضیلت اخلاقی و عملی را عصاره همه فضیلت‌ها و خمیرمایه همه سعادت‌ها و ابزار رسیدن به خوشبختی و سعادت می‌داند. انسان و خانواده اگر صبر نداشته باشند و به آن عمل نکنند، هرگز به خوشبختی و سعادت نخواهند رسید و کارآمد نخواهند بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷)

حضرت علی علیه السلام صبر در کارها را به منزله سر برای بدن می‌داند و می‌فرماید:
الصبر فی الامور بمنزلة الرأس من الجسد، فاذا فارق الرأس الجسد، فسد الجسد و اذا فارق الصبر الامور فسدت الامور. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹)

همچنان که اگر سر از بدن جدا شود، بدن فاسد می‌شود، هرگاه صبر نیز در کارها نباشد، کارها تباه می‌گردد.

در خانواده، گاهی اعضا با ناکامی‌هایی روبرو می‌شوند و یا برآورده شدن خواسته‌ها نیازمند گذشت زمان است. گاهی نیز آسیب‌های بدنی برای آنان پیش می‌آید. پس از بروز چنین رویدادهایی بسیار اتفاق می‌افتد که روابط بین آنان به هم می‌خورد و زمینه بروز اختلاف و رفتارهای نامناسب در خانواده فراهم می‌شود. اگر اعضای خانواده از مهار خویش ناتوان باشند و بردباری و تحمل در مقابل مشکلات نداشته باشند، خانواده دچار آسیب می‌شود و نه فقط نیاز خود فرد برآورده نمی‌شود، بلکه برای دیگران نیز مشکل‌ساز خواهد شد. فشار روانی، نخستین ثمره بی‌صبری در برابر فشارها است. فرد صبور می‌تواند با صبر در مقابل حوادث پیش‌آمده موفقیت و کارآمدی خانواده را حفظ نماید، در حالی که واکنش فوری و

بدون اندیشه در مقابل رفتارهای نامناسب دیگران سبب پشیمانی می‌شود. صبر به فرد امکان می‌دهد که در زمان مناسب، رفتار و واکنش مناسب و متناسب با رفتار فرد خطاکار را از خود نشان دهد.

فرزندانی که در خانواده‌های بدون صبر و عجز پرورش یافته‌اند در اجتماع نیز دچار مشکل می‌شوند؛ زیرا همیشه و در همه جا شرایط فراهم نیست که خواسته‌های فرد برآورده شود. کودکی که صبر ندارد، چنین می‌پندارد که در اجتماع هرچه خواست به زودی در اختیارش قرار می‌گیرد و آن زمان که به خواسته‌های خود نرسد، در مقابل اجتماع واکنش‌های ناپسند از خود نشان می‌دهد و این امر در بسیاری از موارد، موجب دردسر برای فرد و خانواده‌اش خواهد شد.

و. راست‌گویی

بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی، همه فضیلت‌های انسانی از صداقت و راستی سرچشمه می‌گیرد (ر.ک: مجلسی، ۱۹۸۳، ۹/۸۶) و کلید خوبی‌ها، راست‌گویی و کلید بدی‌ها، دروغ و دروغ‌گویی است (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ۴۳۹). در تحلیل روان‌شناختی، صداقت به گفتار و رفتاری گفته می‌شود که فرد انگیزه و قصدی مغایر با مفاد گفتار و رفتارش نداشته باشد؛ یعنی فرد با صراحت و وضوح صحبت می‌کند. هنگامی که فرد در ارتباط کلامی یا بدنی صداقت نداشته باشد، ارتباطی متعارض یا دوسطحی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که مفاد سخن شخص، چیزی است و بقیه وجود او چیزی دیگر را بیان می‌کند و یا انگیزه و قصد او از رفتار و گفتارش امر دیگری است. (سالاری‌فر، ۱۳۸۵)

در چنین موقعیتی، مخاطب به دریافتی که از کلام یا رفتار خود دارد، پاسخ می‌دهد، ولی آنگاه که متوجه شود انگیزه شخص، امر دیگری بوده، در پاسخ به رفتار و گفتارهای بعدی او، سردرگم می‌شود. گاه به کلام و رفتار او توجه می‌کند و از انگیزه و یا انگیزه‌های محرک رفتار غفلت می‌کند و گاهی به دلیل توجه بیشتر به انگیزه‌های احتمالی، دچار واکنش نامناسب می‌شود. این گونه ارتباط از مشخصه‌های رفتار و گفتار اعضای خانواده ناکارآمد است.

بنابراین، برای دستیابی به سلامت روابط در خانواده و بالندگی و کارآمدی، باید روابط کلامی و بدنی مثل آهنگ صدا، تماس‌های چشمی، نگاه‌ها، وضعیت بدنی افراد نسبت به هم و حرکات بدن، واضح و شفاف باشد و افراد را دچار سردرگمی نکند. سخنان فرد نه فقط باید با حالت صورت، وضع بدن و آهنگ صدا هماهنگ باشد، بلکه روایت‌گر انگیزه و حالات ناهشیار نیز باشد و همه ابعاد روان‌شناختی فرد اعم از عاطفی، هیجانی، رفتاری و شناختی، یک مطلب را نشان دهد. چنین ارتباط صادقانه، کارآمد و بهنجاری به اعضای خانواده امکان می‌دهد که درستی، تعهد، شایستگی و خلاقیت داشته باشند، به کمال و بالندگی برسند و با غلبه بر مشکلات بر کارآمدی خانواده بیفزایند.

ز. مثبت‌اندیشی

زن و شوهری که در پی زندگی شیرین و لذت‌بخش‌اند، به همسر خود با دید مثبت و خوش‌بینانه می‌نگرند، جنبه‌های مثبت او را در نظر می‌گیرند و با چشم‌پوشی از عیب‌ها و نقص‌های او، پیوسته زندگی و رفتار او را زیبا می‌بینند و گاهی نیز برخی معایب را خوبی و نیکی می‌بینند.

براد فورد^۶ (۱۹۸۳) در زمینه رضایت همسران از زندگی، تحقیقی روی ۳۵۱ زوج که طول زندگی آنان از پانزده سال بیشتر بود، انجام داد و از دلایل ادامه زندگی مشترکشان پرسید. نتایج این پژوهش نشان داد که نگرش مثبت نسبت به همسر از عوامل مهم و مؤثر تداوم زندگی مشترک بوده است.

از اموری که با خوش‌بینی رابطه مستقیم دارد، بروز برداشت نادرست از رفتار و گفتار دیگری است. برداشت نادرست سبب تخریب روابط مطلوب اعضای خانواده و بروز تشنج و ناراحتی می‌شود. یکی از عوامل اصلی بروز اختلاف‌های زناشویی، سوء تفاهم است و بهترین راه مقابله با آن، خوش‌بینی است. صفت اخلاقی خوش‌بینی علاوه بر اینکه سبب کارآمدی خانواده می‌شود، به طور مستقیم در کارآمدی و بروز خوش‌بینی در جامعه نیز اثر می‌گذارد؛ زیرا هر سبک تبیینی که در تبیین پدیده‌ها توسط والدین به کار برده شود، کودکان آن را می‌آموزند و به خاطر می‌سپارند و در آینده در برخورد با افراد جامعه، از آن استفاده می‌کنند.

۳. شاخص حقوقی

یکی از راه‌های پیشگیری از سرد شدن روابط و فروپاشی خانواده و روابط خانوادگی و نیز افزایش کارآمدی خانواده، آشنایی با حقوق، وظایف و شفاف بودن حدود و انتظارات الزامی و غیر الزامی همسران است؛ زیرا بسیاری از ناسازگاری‌هایی که کارآمدی خانواده را به خطر می‌اندازد و استحکام آن را سست می‌کند، ریشه در رعایت نکردن حقوق و قدرناشناسی آنان نسبت به دیگری است. اگر اعضای خانواده با حقوق و وظایف خود آشنا باشند، بازخوردهای^۷ مطلوب‌تری خواهند داشت. (توماس^۸ زنائیکی^۹، به نقل از باقریان، ۱۳۷۹) در زمینه شاخص حقوقی، شناخت ما از حقوق است که بازخورد ما نسبت به اعضای خانواده و حوادث درون آن را شکل می‌دهد.

در مکتب غنی اسلام، حقوق متقابل انسان‌ها و به ویژه حقوق متقابل اعضای خانواده بسیار مورد توجه قرار گرفته است و برای تمامی مراحل و اعضا (شوهر، همسر و فرزندان) قوانین لازم وضع شده است. درباره ادای حق مؤمنان در متون دینی آمده است که خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است (ر.ک: مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۴۳/۷۱)؛ یعنی رعایت حقوق دیگران نه فقط عامل استحکام و کارآمدی خانواده است، بلکه عبادت است و خداوند در مقابل انجام وظایف و رعایت حقوق به انسان‌ها پاداش می‌دهد.

^۶.Bradford

^۷.Attitudes

^۸.Thomas.wl

^۹.Znaniecki.T

در بحث شاخص حقوقی خانواده کارآمد، حق «امری اعتباری است که برای کسی (له) بر دیگری (علیه) وضع می شود». این حق ممکن است ریشه واقعی داشته و یا نداشته باشد؛ یعنی در مفهوم آن وجود یا عدم وجود ریشه واقعی ملحوظ نیست.

حقوق و تکالیف الزامی و غیر الزامی

برخی از حقوق و تکالیفی که از دیدگاه منابع دینی در جامعه و کانون خانواده برای اعضای در نظر گرفته شده است، الزامی و غیر قابل تخلفاند و برای رعایت نکردن آن حق و انجام ندادن تکلیف، مجازات تعیین شده است. دسته‌ای دیگر از حقوق، الزامی نیستند و ترک تکلیف و رعایت نکردن آنها، بازخواست و مجازاتی را در پی ندارد. در شرع و بر اساس منابع دینی، دسته اول با عنوان «حقوق واجب» معرفی شده‌اند و دسته دوم، «مستحب» و گاهی «مباح» نام گرفته‌اند. هر یک از حقوق غیر الزامی دارای پشتوانه الزام اخلاقی است و کارآمدی کانون خانواده را فقط بر اساس الزام و قانون نمی‌توان تضمین کرد؛ زیرا با الزام قانونی، این مجموعه به سازمانی خشک و بی‌روح و بدون عاطفه و اخلاق و بدون استحکام تبدیل خواهد شد و استوار و پایدار نخواهد ماند. در ادامه، حقوق اعضای خانواده را در چهار دسته حقوق زن، حقوق شوهر، حقوق فرزندان و حقوق والدین معرفی می‌کنیم.

الف. حقوق زن

بر اساس منابع دینی، برای زن حقوقی وضع شده که لازم است شوهر آنها را رعایت کند تا خانواده در مسیر رسیدن به کارآمدی حرکت کند.

یک. تهیه هزینه‌ها و لوازم زندگی

تأمین مخارج زن بر مرد واجب است و مقدار آن بر اساس نیاز و شأن زن تعیین می‌گردد. (خمینی، ۱۳۷۹، ۲۹۹) در قانون مدنی جمهوری اسلامی نیز آمده است:

نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم (در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض). («روزنامه رسمی»

۱۳۸۱، ۱۰۷۹/۲)

بنابراین، نفقه واجب که از حقوق زن شمرده می‌شود (خمینی، ۱۳۷۹، ۲۹۹-۳۰۰) و مرد باید آنها را به صورت الزامی تهیه کند، عبارت‌اند از: فراهم نمودن مسکن مناسب، تهیه غذا و خوردنی‌های مورد نیاز، تهیه پوشاک مورد نیاز و متناسب با شأن زن، تأمین هزینه‌های درمانی و تهیه وسایل زندگی مناسب و متناسب با شأن زن.

دو. تأمین نیاز جنسی

یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل خانواده، تأمین نیاز جنسی همسران است. احساس جنسی و اندام‌های مربوط به آن، بخش‌های مهمی از وجود انسان است. برای حفظ و استمرار سلامت و آرامش روانی و کارآمدی کانون خانواده، تصدیق صریح و درک احساس جنسی همسر، لازم است. در پژوهشی که پیش‌تر نیز گفته شد براد فورد (۱۹۸۳) در زمینه رضایت همسران از زندگی بر روی ۳۵۱ زوج انجام داده بود، یکی از عوامل مؤثر در تداوم زندگی مشترک، رضایت از روابط جنسی بوده است.

به دلیل اینکه نیاز جنسی مطابق طبیعت انسان است، شرع مقدس اسلام برآورده کردن نیاز جنسی زن را از حقوق وی و از تکالیف مرد شمرده است. قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه ۱۴ دوست‌داشتن روابط جنسی را برای زندگی زینت به حساب آورده است: «زین للناس حبّ الشهوات...». از نظر اسلام راه دیگری غیر از ازدواج برای ارضای نیاز جنسی وجود ندارد. پس وظیفه مرد است که نیاز همسر خود را تأمین کرده، به رعایت این حق پایبند باشد.

سه. گشایش در زندگی

مرد وظیفه دارد برای ایجاد شرایط زندگی رضایت‌بخش و تأمین هزینه‌های مطلوب و معقول زندگی تلاش کند و از برآوردن نیازمندی‌های اعضای خانواده استقبال کند. در متون دینی محبوب‌ترین مردان در نزد خداوند متعال آنان‌اند که به خانواده خود بیشتر نیکی نموده، زندگی آنان را توسعه دهند: «ان ارضاکم عندالله اسبغکم علی عیاله» (مجلسی، ۱۹۸۳، م، ۷۸/۱۳۶).

اعضای خانواده‌ای که برای رشد و کمال خود از امکانات لازم برخوردار باشند، با آسایش و آرامش بیشتر در جهت رشد خود حرکت می‌کنند و اگر با محدودیت‌های ایجاد شده از طرف همسر و یا پدر مواجه شوند، آرامش آنها به هم می‌ریزد و نسبت به نان‌آور خانه، دید منفی پیدا می‌کنند و این دیدگاه بر کارآمدی خانواده تأثیر نادرخواه می‌گذارد. در متون دینی آمده است که سزاوار است مردها در زندگی خود به گونه‌ای گشایش و توسعه ایجاد کنند که اعضای خانواده مرگ او را آرزو ننمایند: «ینبغی للرجل ان یوسّع علی عیاله کیلا یتمتّوا موته...»، (کلینی، بی‌تا، ۱۱/۴).

پاداش شهادت در راه خدا از بالاترین پاداش‌ها در فرهنگ و متون دینی است و تلاش برای گشایش در امور خانواده چنان در متون دینی بارز تر توصیف شده که پاداش آن کس که برای خانواده خود تلاش می‌کند، همانند پاداش شهید و مجاهد فی سبیل الله و گاهی بالاتر از آن شمرده شده است (ر.ک: حر عاملی، ۱۹۹۱، م، ۱۲). از سوی دیگر، بی‌تفاوتی در این امور نیز مورد سرزنش قرار گرفته و کسی که توجه جدی به توسعه زندگی خود و خانواده‌اش نداشته باشد و در این راه تلاش سازنده‌ای نداشته باشد، مورد بی‌مهری رسول گرامی اسلام قرار گرفته است: «لیس منّا من وُسّع علیّه ثمّ قتر علی عیاله» (حر عاملی، ۱۹۹۱، م، ۱۲).

چهار. آراسته و پاکیزه بودن

همان‌گونه که مرد، دوست دارد زن او زیبا، پاکیزه، مرتب و منظم باشد، زن نیز این توقع را از مرد خود دارد و از حقوق او به شمار می‌آید که همسرش نظافت و آراستگی را رعایت کند. آراستگی مرد، رضایت از زندگی را در زن ایجاد می‌کند، بر عفت و پاکدامنی او می‌افزاید و او را از چشم داشتن به دیگر مردان حفظ می‌کند. در روایات آمده است که زنان بنی

اسرائیل از عفت و پاکی دست کشیدند و این مسأله هیچ علتی نداشت جز اینکه شوهران آنان خود را نمی‌آراستند. سپس فرمود زن هم از مرد همان انتظاری را دارد که مرد از او دارد (مجلسی، ۱۹۸۳، م، ۱۰۲/۷۳).

حفظ عفت و پاکدامنی، یکی از عوامل استحکام و کارآمدی خانواده است. از خانواده‌ای که عفت و پاکدامنی در آن وجود ندارد، نباید انتظار داشت که زن و مرد نسبت به یکدیگر وفادار باشند. وفاداری همسران به یکدیگر عامل انسجام، اتحاد و هم‌بستگی زن و شوهر می‌شود و دل‌بستگی آنان به یکدیگر و کارآمدی خانواده را تأمین می‌کند. عفت و پاکدامنی یکی از مهم‌ترین عوامل تربیت درست فرزندان و به دنبال آن، اصلاح جامعه است. کانون خانواده بهترین محیط برای آموزش عفت به فرزندان است. فرزندان با الگوبرگشتن از والدین خود انسان‌هایی پاکدامن تربیت خواهند شد.

پنج. معاشرت نیکو

زن برای مرد هدیه، نعمت و امانت الهی است («فتعلم انّ ذلك نعمة من الله عليك فتركها و ترفق بها» (مجلسی، ۱۹۸۳، م، ۵/۷۴) و شایسته برخورد و تعاملی شایسته و پسندیده است. تکریم و بزرگ‌داشت همسر و دوری از اهانت و تحقیر، وظیفه انسانی هر مرد و زنی است. مرد نباید عیوب همسر خود را بزرگ جلوه دهد، بلکه بر اساس دستورات دینی باید آن را بپوشاند: «و اما حقّ الزوجة فان تعلم انّ الله عزّوجل جعلها لك سكناً و انساً... و اذا جهلت عفوت منها» (حر عاملی، ۱۹۹۱، م، ۱۷۵/۱۵). از موارد مهم معاشرت نیکو، بخشش خطاهای همسر است. آنان که از خطاهای دیگران می‌گذرند و از حق شخصی خویش چشم‌پوشی می‌کنند، محبت دیگران را به خود جلب می‌کنند و آنان را خوش‌بین، وفادار و بامحبت نگاه می‌دارند. معاشرت نیکو هم در گفتار و هم در رفتار باید آشکار گردد. وقتی مرد با کلماتی مطلوب و چهره‌ای شکفته با زن خود روبرو می‌شود، کلید محبت و دوستی و برقراری ارتباط صمیمی و کارآمد را به دست او داده است و با گفتار دلپذیر و شادی بخش روابط را استوار می‌گرداند. متانت در سخن و ادب در گفتار و زیبایی کلام از ویژگی‌های افراد پاکدل و از اخلاق اولیای دین است. در مقابل، چهره گرفته و آشفته و کلمات آزاردهنده، دریچه ارتباط و صمیمیت را می‌بندد و به تدریج بر فاصله روانی و عاطفی افراد می‌افزاید و در خانواده سبب ناکارآمدی آن می‌گردد.

ب. حقوق شوهر

بخش زیادی از عوامل استحکام پایه‌های زندگی و کارآمدی خانواده در گرو رعایت حق شوهر از سوی زن است. اگر زن، حقوق شوهر خود را رعایت کند، مرد نیز انگیزه لازم و کافی را برای انجام وظایف خود دارد. این رعایت متقابل حقوق، زمینه‌ساز بروز رفتارهای بهنجار و در نتیجه تحقق کارآمدی خانواده است.

یک. ارضای نیاز جنسی

زن در غیر ایامی که از نظر شرع محدودیت دارد، واجب است نسبت به ارضای نیاز جنسی همسرش جواب مثبت دهد. مستحب است در این زمینه پیش‌قدم نیز بشود و آمادگی خود را اعلام کند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

عليها ان تطيب باطيب طيبها و تلبس احسن ثباها و تزين باحسن زينتها و تعرض نفسها عليه غدوة و عشية و

اکثر من ذلك حقوقها. (حرعاملی، ۱۹۹۱، م، ۸/۱۴)

بر زن لازم است از بهترین عطر استفاده کند، زیباترین لباس را بپوشد، خود را به نیکوترین وجه آرایش دهد و صبح و شام همچون طاووس خرامان خود را به شوهر عرضه کند. اگر این مقدار را انجام دهد، تنها حق شوهر خود را ادا کرده است در حالی که حق شوهرش بیش از اینها است.

در رابطه با میل مرد به زن و تمکین وی نسبت به شوهر، رسول خدا ﷺ دستور عجیبی دارند. آن حضرت در پاسخ زنی که از حق شوهر خود از رسول خدا پرسید، فرمود: «ولا تمنعه نفسها و ان كانت علی ظهر قتب؛ او را از کام‌گیری منع نکند، هرچند بالای شتر باشد» (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ۸/۱۴). این دستور العمل کنایه از اهمیت برآورده کردن نیاز جنسی مرد است.

دو. حق نظارت بر رفت و آمدها

این حکم که جواز خارج شدن زن از منزل مشروط به اجازه شوهر است، بر اساس روایات قابل خدشه نیست. منابع شیعی روایات متعددی در این مورد دارند (ر.ک: حر عاملی، ۱۹۹۱م، ۱۴/۱۲۵، ۱۵۴-۱۵۶) و روایات مشابهی نیز در منابع اهل سنت نقل شده است (ر.ک: الهیثمی، ۱۴۰۸ه.ق، ۴/۳۱۳). در میان فقها نیز این حکم، مسلم دانسته شده و کسی در آن تردید نداشته است. فقط برخی معتقدند که لزوم کسب اجازه شوهر اختصاص به مواردی دارد که خارج شدن از منزل با حقوق جنسی شوهر منافات داشته باشد، ولی با توجه به اطلاق روایات، تخصیص آنها به موارد تضييع حقوق جنسی شوهر بی‌وجه است. (بستان، ۱۳۸۸)

سه. حق انتخاب محل سکونت

از لوازم حق تمکین جنسی، حق شوهر در تعیین محل سکونت است. زمانی زن می‌تواند به تکلیف ارضای جنسی شوهر خود عمل کند که از نظر محل سکونت تابع شوهر باشد. در متون دینی به چنین حقی برای شوهر اشاره شده و آن را از حقوق ثابت شده شوهر و از تکالیف الزامی زن می‌داند. (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ۱۴/۴۳۵ و ۴۹۴) در عین حال، زن می‌تواند به هنگام عقد از «شرط ضمن عقد» استفاده کند و شرط کند که شوهرش او را از شهر و محل سکونت خود خارج نسازد و یا در محل خاصی او را سکونت دهد و در صورتی که شوهر این شرط را بپذیرد، باید به آن عمل کند (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ۱۵/۴۹) و تخلف از آن، خلاف وفای به عهد است. (بستان، ۱۳۸۶) در ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی جمهوری اسلامی نیز به این حق اشاره شده است: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکنی نماید، مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد».

ج. حقوق فرزندان

فرزند، شیرین‌ترین ثمره زندگی زن و مردی است که با عشق و محبت و با پیوند شرعی و الهی در کنار هم قرار گرفته‌اند. حضور فرزند در زندگی زناشویی نه فقط عشق و علاقه، پایبندی و حس مسئولیت در زندگی مشترک و امیدواری به آینده را در همسران افزایش می‌دهد، بلکه آنان «خود مشترک» را در آینه وجود فرزند به تماشا می‌نشینند. فرزند هدیه‌ای الهی است که پدر و مادر را امانت‌دار الهی می‌گرداند و به آنها امکان می‌دهد تا با تربیت اسلامی و ادای حقوق این امانت، خود را در گذر زمان جاودانه سازند و به هنگام کوچ از منزلگه دنیا، ماندگاری خویش را با وجود فرزندی صالح تثبیت نمایند. این آرزو جز با رعایت حقوقی که صاحب امانت معین کرده است، تحقق نمی‌پذیرد.

یک. داشتن نام نیکو

نام‌گذاری نوزاد با نام‌های نیکو، از حقوق فرزند است. (خمینی، ۱۳۷۹، ۲/۳۰۸). امام رضا علیه السلام نام نیکو را احسان و نیکی در حق فرزند می‌داند و می‌فرماید:

أَوَّلُ مَا يَبْرُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِإِسْمٍ حَسَنٍ فَلْيَحْسُنْ أَحَدَكُمْ أَسْمَ وَلَدِهِ.

نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می‌دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست. پس لازم است هر یک از شما نام نیکو برای فرزند خود انتخاب کند. (محنة البيضاء، بی تا، ۲/۶۶).

نام نیکو بهترین هدیه‌ای است که هر فرزندی در زندگی از پدر و مادر خود دریافت می‌کند؛ نامی که همیشه با اوست و از او جدا نمی‌شود و همواره در شخصیت فردی و اجتماعی‌اش مؤثر است. از دیگر سو، در اسلام والدین از نام‌گذاری کودک با نام‌های پست و زشت نهی شده‌اند. اگر پدر و مادر نام زشت یا زنده‌ای برای فرزند خود انتخاب کنند، به شخصیت و حیثیت او آسیب رسانده، فرزند خود را از داشتن نام نیکو محروم کرده‌اند.

دو. حق تغذیه با شیر مادر

بر اساس اوامر الهی و قوانین طبیعت، کودک باید از شیر مادر تغذیه کند؛ چون بهترین شیر برای شیرخواران در درجه اول، شیر مادر او است: «مَا مِنْ لَبَنٍ وَضِعَ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمَ بَرَكَهَ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ» (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ۱۵/۱۷۵) و محروم کردن غیر موجه نوزاد از شیر مادر، ستم بزرگی در حق کودک است. به همین دلیل اسلام برای مادران شیرده، ثواب‌های زیادی مقرر کرده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

... فَأَإِذَا أَرْضَعْتَ كَانِ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كَعْدِلِ عَتَقِ مُحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْ رِضَاعِهِ صَرَبَ مَلَكٌ كَرِيمٌ عَلَى جَنْبِهَا وَقَالَ: أَسْتَأْنِفِي الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ لَكَ. (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ۱۵/۱۷۵)

... هنگامی که مادر، فرزند خود را شیر می‌دهد، در هر مرتبه‌ای که کودک از پستان او شیر می‌مکد، خدای متعال ثواب فراوانی به او عطا می‌کند و آنگاه که از شیر دادن فراغت می‌یابد، فرشته‌ای دست بر پهلو مادر نهاده، می‌گوید زندگی را از نو آغاز کن که خداوند تمام گناهان گذشته‌ات را آمرزید.

سه. حق اجتماعی شدن

یکی از ابعاد وجودی انسان، اجتماعی بودن اوست که در مقام تربیت باید بدان توجه شود. به همین دلیل یکی از وظایف والدین و مربیان در تربیت فرزندان و نسل آینده، توجه به رشد اجتماعی آنان است تا استعدادها و توانایی‌های فرزندان در عرصه حیات اجتماعی شکوفا شود و بتوانند به صورت فعال و موفق در زندگی جمعی حضور یابند. به تعبیر دیگر اجتماعی تربیت شدن یکی از حقوق فرزندان است.

تجربه بشری در زندگی اجتماعی نشان می‌دهد که سلامت نظام اجتماعی و ثبات و پایداری آن به توانایی و آمادگی و سلامت افراد آن جامعه بستگی دارد. اسلام که دینی جامع‌نگر است و به تمام جنبه‌های حیات انسان توجه دارد، به

تربیت اجتماعی انسان نیز توجه خاص داشته، برای تربیت انسان‌هایی منضبط و دارای توازن روحی و تعادل اخلاقی و خردورز که در عرصه حیات جمعی به صورت واقع‌نگر حضور یابند، دستورهای داده است. دین اسلام پایه‌های تربیت را در درون افراد بنیان نهاده و آنان را به رعایت اصولی سفارش کرده است که در صورت تحقق آنها در وجود افراد، نظام اجتماعی از ثمرات مفید آن یعنی تعادل، روابط پایدار، محبت متقابل، نظارت و مراقبت اجتماعی و... بهره‌مند می‌شود.

چهار. حق ازدواج

حق ازدواج از جمله حقوق مسلم فرزندان بر والدین، و به ویژه بر پدر است. شاید فرزندان به دلیل کم‌تجربگی، تنگدستی، آرزوهای طولانی و اندیشه‌های رؤیایی، دچار انحراف یا تردید و تعلل در ازدواج شوند. این بر عهده پدران است که آنها را در انتخاب صحیح و مناسب یاری رسانند و مقدمات این امر مقدس را برای آنان فراهم آورند. بر اساس آموزه‌های دینی از جمله حقوق فرزند بر پدر این است که نام نیک برای او انتخاب کند، به او نوشتن پیام‌زد و آنگاه که به سن بلوغ رسید، زمینه ازدواج او را فراهم کند: «مَنْ حَقَّ الْوَلَدُ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةً: يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيَزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ۱۰/۷۲۰). در دوره جاهلیت، والدین به ازدواج فرزندان خود توجه نداشتند. از این رو، خداوند متعال مسلمانان را به این کار دستور داد و فراهم آوردن امکان ازدواج فرزندان را بر پدران واجب نمود (بحرانی، بی تا، ۱۳۲/۳).

د. حقوق والدین

در منابع دینی نسبت به رعایت حقوق والدین به نمودهای متعدد و مختلفی اشاره شده است. همه این نمودهای را می‌توان در عنوان کلی «احسان» جای داد. خداوند متعال در آیات متعدد به احسان به والدین اشاره فرموده و آن را پس از دستور به خداپرستی قرار داده است؛ یعنی احترام و احسان به پدر و مادر در دومین مرحله از مراحل اساسی دعوت قرآن قرار گرفته است (ر.ک: بقره: ۸۳؛ نساء: ۲۲ و اسراء: ۲۳). برخی از مهم‌ترین مواردی که در روایات به عنوان مصادیق احسان ذکر شده است، عبارت‌اند از: اطاعت از پدر و مادر (ر.ک: لقمان: ۱۴-۱۵)، به آرامی و نرمی با آنان سخن گفتن (ر.ک: حر عاملی، ۱۹۹۱م، ۱۵/۲۰۵)، قطع نکردن سخنان آنان، تواضع و فروتنی در برابر آنان (ر.ک: مجلسی، ۱۹۸۳، ۷۶/۷۱)، برآورده کردن نیازهای پدر و مادر، دعا در حق والدین، شرکت در غم و شادی آنان، مهربانی بیشتر در حق مادر، قدردانی لفظی و عملی از زحمات‌های آنان، پرهیز از امر و نهی نمودن به آنان (ر.ک: حر عاملی، ۱۹۹۱م، ۲۷۷/۱۵ - ۲۰۵)، دوری از آزردهن آنان حتی به اندازه گفتن کلمهٔ آف (طبرسی، ۱۳۶۰، ۴۰۹/۶) رسیدگی ویژه به پدر و مادر به هنگام پیروی (ر.ک: اسراء: ۲۳-۲۴) و صدا نزدن آنان با نامشان (ر.ک: حر عاملی، ۱۹۹۱م). در فقه شیعه احکامی نیز برای رعایت حقوق والدین بیان شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی متون و منابع اسلامی، سه شاخص عمده بینشی، اخلاقی و حقوقی را برای کارآمدی خانواده مشخص می‌کند. خانواده، بخشی از فرایند زندگی انسان است و برای اینکه کارآمد و دارای آثار و کارکردهای مطلوب

باشد و اعضای آن به کمال برسند، باید ویژگی‌های مربوط به این شاخص‌ها را دارا باشد. در غیر این صورت کارآمدی خود را از دست خواهد داد.

اگر بینش‌های انسان در زندگی و به ویژه در خانواده، صحیح و مطابق با خواسته‌های آفریننده هستی باشد، زندگی او در مسیر صحیح و کارآمدی قرار می‌گیرد و اگر بینش‌های نادرست، جهت‌دهنده زندگی فرد باشد، زندگی را به بی‌راهه برده، آن را ناکارآمد می‌سازد.

خانواده نخستین محیط تعلیم و تربیت کودک است؛ فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می‌شود. کودک بسیاری از صفات و رفتارهای اخلاقی را از پدر، مادر، خواهر، برادر و کسانی که با آنها زندگی می‌کند، می‌آموزد. صداقت، امانت‌داری، احترام متقابل، سپاسگزاری، مهربانی، محبت، سخاوت، شجاعت، عفت‌ورزی و بسیاری از رفتارها توسط اعضای خانواده به یکدیگر منتقل می‌شود. خانواده نخستین درس‌های فضیلت را به فرزندان خود می‌آموزد و بزرگ‌ترها نیز به سبب هم‌نشینی طولانی و پیوسته، بر شکل‌گیری صفات اخلاقی آنان تأثیر می‌گذارند. پس باید محیط خانواده به فضایل اخلاقی آراسته شود تا بتواند کارآمدی خود را اثبات کرده و زمینه رشد و بالندگی اعضای خود را فراهم سازد.

یکی از راه‌های پیش‌گیری از سردی روابط و فروپاشی روابط خانوادگی و نیز افزایش کارآمدی خانواده، آشنایی با حقوق، وظایف و انتظارات الزامی و غیرالزامی هریک از همسران است. بسیاری از ناسازگاری‌هایی که کارآمدی خانواده را به خطر می‌اندازد و استحکام آن را سست می‌کند، ریشه در رعایت نکردن حقوق یکدیگر است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، (۱۳۷۸). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: انتشارات دارالقرآن الکریم.
- «روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه قوانین سال ۱۳۸۱». (۱۳۸۱).
- آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالحکم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- باقریان، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). «بازخورد طلاب و دانشجویان نسبت به حقوق زن در اسلام». پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی. قم: مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (بی‌تا). تفسیر البرهان. بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.
- بستان، حسین. (۱۳۸۳). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جولیوس گولد و ویلیام ل. کولب. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر پورهام و دیگران. تهران: انتشارات مازیار.
- حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۹۹۱م). وسائل الشیعه. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- سالاری‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۵). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.
- صفورایی، محمدمهدی. (۱۳۸۲). «ایمان به خدا و نقش آن در کاهش اضطراب»، معرفت، (۱۲)۷۵.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، رضی‌الدین حسن‌بن‌فضل. (۱۳۶۰). مجمع‌البیان فی تفسیرالقران. تهران: انتشارات فراهانی.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی. (بی‌تا). حجة‌البیضاء فی تهذیب الاحیاء. تهران: مکتبه الصدوق.
- کلینی، محمد یعقوب. (بی‌تا). فروع کافی. ترجمه سید جواد مصطفوی. تهران: نشر فرهنگ اهل‌بیت.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۹۸۳م). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری. (۱۳۷۹). میزان‌الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). مجموعه آثار. قم: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی ابن ابیطالب علیه السلام.
مهدی‌زاده، حسین. (۱۳۸۵). الگوشناسی. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
هیثمی، علی ابن ابوبکر. (۱۴۰۸ق)، مجمع الزوائد و منبع‌الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه.

Archive of SID